

حاصل عمل که بر دست مدد
جهد اید که درستی اول قادر
راستی اول هرگز که در میان اول
نیک و بد نفع ضرورت است
جلو اندازد اول و کت جوش و ت
بوسلدر بجهانده بل معدود
ایده مزاج کعبه خفتین
سوز سرد خدای روح حاسب
نظم و نثری کاتبه امثال
پوسته نثر که کل و سببین
مونس مانفغان حضرت حق
قابل فرسوزند قبل نظری
سخن که در جواب کسبین در
سوز در که به بی توایم بن
بن و ن اول مندب بکشتن کن
سخن دل سوز اول و در دور
اول که گویم بن سوز و لاف کل
قدح شخص طالبین ادرم
بود کل اید و رضی بلکه مراد

لا

بیک شایه اولاد عاید مسب
اولا که بر لسانی نفلوا اول
اول قلبه خدا سی شفقت اید
بروی با جزو خنده و علم
مسکند بر نغمه رباط خراب
بر جرح خط در هوای عین
بت عقد حسن دار کا عم
روزگار طوبی بکران ابرم
گاه سوز بکشتن جرح قوت عبال
گاه فکر ایدرم نو لور حالوم
که یو حاله اول ابرسم بن
دار سکا بکرم زمانه دن جوق
کیم دیم که بولزم همد هم
اولدی که بورد با ط سوز لمر
جانگی نرود و بر نام اول هم
ای که در در کل زنده جان و لم
اندی سوز کت معنی کو با
الهی سوز کت لطف که ثابت بوق
طریق تحقیق اول کت بند در تو فین
او قین با کما رحمت اید طلب
کند و سی جوب سوزی نفلوا اول
بوزی صوبینه کما رحمت اید
طوبی جرت ایچره مانده و لم
منزلوم در هم زنجی سیلاب
ساکن در کت کت با ی زمین
قید بند بچار با با عم
عقد کت که گرفتار کم
گاه انکار کت علم و کمال
بند و ابر سزا خراحو لوم
روح مسکند بخرا اول مسکن
دار حکا بکرم مجاهدن جوق
کیم عرض اید بن که بوق فخرم
حرم قدس میل اید ر لمر
کم بصین بن اول سواد قدیم
بن تا اولام با بنوم نول سوزم
پرده دن طولی دلی کو با

King Saad Bin